

## پیشنهاد چین به هندوستان برای مذاکره روی منازعه افغانستان

نویسنده: بهادر اکمار

مترجم: رسول رحیم

منبع: ایشیا تایمز آنلاین

10-03-2013

چین به هندوستان پیشنهاد مذاکره روی منازعه افغانستان نموده است. جستجوی موشگافانه در شناسایی عوامل موثری که می توانند به یک صلح پایدار در افغانستان کمک کنند، وظیفه انصراف ناپذیر پژوهشگران است.

در حالیکه در همه جا سخن از پایان سال 2014 و دورنمای تاریک مذاکرات صلح در افغانستان است، متاسفانه تحلیل های ما افغان ها همه سرشار از بار عاطفی اند و پیرامون محور های مرسوم و تکراری تمرکز دارند. این در حالی است که نظم حاکم جهانی دیگر نمی تواند به مسائل و نیازهای قدرت های نوظهور زمانه ما موفقانه پاسخ گوید. با آنکه واشنگتن تا هنوز از اعتراف به این واقعیت طفره می رود، شکست و ریخت ها در جبهه مالی و اقتصادی دیگر به وی مجال نمی دهد تا چشمش را بر آنچه هست ببندد. دست کم بازبینی های سیاسی کاخ سفید در دیدگاه های بالنسبه انطباق پذیر جان کری و چاک هیگل، وزرای خارجه و دفاع ایالات متحده امریکا خود را به نمایش می گذارند.

توزین مجدد سیاست خارجی ایالات متحده امریکا خواهی نخواهی تاثیرات دامنه دار جهانی دارد و مواضع قدرتهای نوظهوری مانند چین و هندوستان نیز از آن مبرا بوده نمی توانند. سرنوشت جنگ و صلح در افغانستان نیز به طور جدی در گرو این تحولات است.

بهادر اکمار، دپلومات کار کشته هندوستانی که بیشتر در راستای اتحاد آسیایی ها قلم می زند و در تحلیل های سیاسی و دپلوماتیک اش کمتر به تعلقات ملی اش پابند است، این پیشدرآمد در توزیع جدید قدرت در سطح جهانی را در وجود دو غول نوخاسته آسیایی - هندوستان و چین - مورد بررسی قرار داده است. او در مقاله اخیر اش که با عنوان " چین و هندوستان باید به تحریکات پایان بدهند" در " ایشیا تایمز آنلاین" انتشار یافته است، به آغاز متزلزل شدن " دوستی همه فصول" بین پاکستان و چین اذعان می کند و از پیشنهاد مذاکرات چین به هندوستان در مورد منازعه افغانستان خبر می دهد. عنوان اصلی مقاله به دلیل جلب توجه خوانندگان تغییر داده شده است. (مترجم)

\*\*\*

وقتی که جهان اهمیت تعیین جان کری و چاک هیگل را به حیث وزیران خارجه و دفاع ایالات متحده امریکا سبک و سنگین می کند، واضح است که لیستی از کشورهای مختلف اعم از چین، روسیه، ایران، اسرائیل، ترکیه و فلیپین، بیشتر از دیگران از آن متاثر می گردند.

به نظر می‌رسد چین از این کاملاً خشنود است که جان کری نظر منفی‌ای نسبت به "محور" ایالات متحده آمریکا در آسیا دارد. روسیه دوست دارد تا حدس بزند که جان کری و چاک هیگل برای "از سرگیری" مناسبات دو جانبه مفید اند، الا اینکه تا کنون مطمئن بوده نمی‌تواند. ایران و اسرائیل از آن علایم مختلطی دریافت می‌دارند. ترکیه از این احساس ناراحتی می‌کند که کودک نوزاد سوریه را در آغوش بگیرد. و فلیپین احساس می‌کند که در بحیره جنوب چین اندکی تنهاست. همه و همه از اینکه چیزی نوی در حال پیدایش است، ترس نهفته‌ای در سینه‌های شان دارند و از اینکه آیا این پدیده جدید خوب یا بد است، مطمئن نیستند. نکته مهم اینست که اقتصاد ایالات متحده آمریکا در حال اضطراب می‌باشد، اوضاع جهان نا آرام و خطرناک است، مرکز قدرت جهانی در حال تغییر خوردن است، قابلیت ایالات متحده آمریکا برای "رهبری" کردن دچار مشکلات گردیده است و از همه مهمتر اینکه سپیده قبول تحول تاریخی در ذهن امریکایی‌ها شروع به دمیدن کرده است. در کل یک غروب طولانی شروع شده است.

### احساس فروکش کردن

با این همه، اندیشمندان حاکم هندوستانی نیز دچار اضطراب گردیده‌اند. برخی از برداشت‌های این کشور که در مورد ستراتژی‌های منطقه‌یی‌اش در ده سال گذشته پیش بینی کرده بود، مورد سوال قرار گرفته‌اند.

شک و تردیدهای گزنده‌ای از ناحیه آنچه جان کری و چاک هیگل منافع هندوستان می‌خوانند برای آنها پیدا شده است. لب مسأله در آن است که این دو دولتمرد قدرتمند در جهان بینی کم بها دادن به ارزش واقعی نیروهای نظامی برای پیشبرد دسترسی و نفوذ جهانی ایالات متحده آمریکا باهم شریک‌اند.

نحوه اظهارات کری و هیگل که این کشور یک اندازه به واقعیت‌های داخلی‌اش توجه کند، به سود این کشور است. مشکلات داخلی هندوستان نهایت زیاد‌اند و توجه مجدد به اولویت‌های ملی از ابرام زیادی برخوردار می‌باشد. هندوستان به سبک اوباما نیازمند اولویت قابل شدن به مشی‌های سیاسی داخلی‌اش می‌باشد.

چیزی بیشتر از قابل شدن حق اولویت به مسائل داخلی، موضوع برسر خود آگاهی از محدودیت قدرت در وضع جهانی کنونی می‌باشد. برخی نظریات الهام بخش توسط هیگل و کری در مورد موثریت نیروی نظامی برای حل منازعات منطقه‌یی ابراز شده‌اند و مهتر از همه ترجیحی است که این دو سیاستمدار در "بکار بردن" اسلوب ملایم و معقول در حل اختلافات قابل‌اند.

در عین زمان چاک هیگل به دلیل یک سخنرانی منتشر نشده‌اش که در سال 2011 در دانشگاه کمپرون ایالت اوکلاهما ایراد کرده بود و این سخنرانی در یک وبسایت محافظه

کاران امریکایی به روز سه شنبه گذشته به هنگام تایید نامزدی اش در مقام وزارت دفاع در مجلس سنای ایالات متحده امریکا مورد استناد قرار گرفته بود، باتوفانی در پیاله چای هندوستان مواجه شده است. هیگل در این سخنرانی در ضمن مسائل گسترده دیگر گفته بود:

"هندوستان برای مدتی افغانستان را به حیث جبهه دوم مورد استفاده قرار داده است و هندوستان برای سالها تولید مشکلات در آنسوی مرز برای پاکستان را تمویل کرده است و شما می توانید اینرا در ابعاد زیادی ببینید که در مناسبات پر تشنج و شکنند بین پاکستان و افغانستان برای سالیان زیادی وجود داشته است".

انتظار می رفت که چنین امری اندیشمندان حاکم در هندوستان را عصبانی گرداند. اما بالاخره این نخستین بار نیست که چنین چیزهایی علناً گفته می شوند. این موضوع به ماه سپتمبر سال 2009 یعنی هنگامی برمی گردد که جنرال **ستلی مک کریستل**، فرمانده کل نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان ضمن ارزیابی اوضاع به **رابرت گیتس** وزیر دفاع ایالات متحده امریکا گفته بود "افزایش نفوذ هندوستان در افغانستان احتمال دارد تشنجات منطقه یی را افزایش دهد و پاکستان را ترغیب نماید تا تدابیر ضد آن را در افغانستان و یا هندوستان به عمل آورد".

مقامات امریکایی که آگاهی کاملی از شعار "جبهه دوم" هندوستان در برابر پاکستان داشتند، بنا بر اوضاع حاکم ناشی از حضور نظامی غرب در سرزمین کوه پایه های هندوکش، شاید به این قدرت تشخیص هندوستان اعتبار قایل بودند که بدانند کدام کار را انجام ندهد.

کافی است که بگوییم چیز کاملاً تازه ای در سخنرانی سال 2011 چاک هیگل وجود ندارد. اما نکته جالب توجه مهم در "تصحیح سیاست" هندوستان در رابطه با منافع اش در جای دیگری نهفته می باشد و آن عبارت است از اظهارات جان کری در مورد "توزین مجدد" روابط امریکا در آسیا.

جان کری در جریان استماع اش در مجلس سنای ایالات متحده امریکا حمایت اش را از توزین مجدد مشی سیاسی امریکا اعلام داشت، اما به طور محتاطانه ای هوشدار داد که معتقد نیست افزایش نفوذ نظامی ایالات متحده امریکا هنوز هم یک امر تعیین کننده و اساسی است. او همچنان اشارت نمود که پیکنگ از افزایش شمار نیروهای های بحری ایالات متحده امریکا در استرالیا نگران می باشد. کری گفت:

چینی ها می پرسند: "ایالات متحده امریکا چه می کند، چه گپ است، ما را محاصره می کند؟ و هر عمل عکس العمل اش را دارد".

کری افزود: "ما باید همه جانبه فکر کنیم و هنگامی که تهدیدی وجود نداشته باشد، نباید تهدیدی به وجود آوریم و باید بدانیم که در کجا می توانیم پایگاهی برای همکاری پیدا کنیم. من از عقب نشینی سخن نمی گویم. من فقط می گویم که در مورد این فکر کنم که چگونه موجب ایجاد واکنشی نگردیم که خواهانش نمی باشیم".

این هرگز واقع بینانه نخواهد بود هرگاه تصور کنیم که ایالات متحده امریکا متعهد به یک سترانژی مهارکننده نوع جنگ سرد علیه چین می باشد و یا اینکه هندوستان نقش کلیدی ای به مثابه شریک ایالات متحده امریکا در سرتاسر منطقه "هندو اوقیانوس آرام" (اندیا پاسفیک) بازی کند. این منطقه از تنگه هرمز تا دولت جزیره یی "وانواتو" در جنوب اوقیانوس آرام را در بر می گیرد. اندیشمندان حاکم هندوستان به طور یک جانبه ای مدعی اند که ساحه نفوذ هندوستان می باشد.

### کشایش جدید

شاید کری و هیگل آنها را مایوس گردانند. اما آنچه امروز دهلی را از بروز پیامد های ناگوار محفوظ نگه میدارد آنست که تدوین کنندگان مشی سیاسی هندوستان قبل از آنکه کری بازبینی توزین مجدد مشی خارجی آن کشور را اظهار دارد، آن را "پیش بینی کردند". شیو شنکر مینان، مشاور امنیت ملی هندوستان در یک سخنرانی صریح اش به روز دوشنبه در برابر شنوندگانی مشتمل از "ناظران چین" با قاطعیت به این مشکل پرداخت و گفت:

" این را روشن ساختم که به نظر من در مورد رقابت بحری چین و هندوستان مبالغه صورت گرفته است و اجتناب ناپذیر نیست... هم در مفهوم جیوپولیتیکی و هم در مفهوم نیروهای دریایی مختلف به استثنای نیروهای دریایی ایالات متحده امریکا که بین کانال سویز و هاوایی در عملیات اند، ساحه (هندو اوقیانوس آرام) هنوز هم متشکل از سه منطقه خاص است که عبارت اند از بحر هند، اوقیانوس آرام غربی و بحیره نزدیک به چین (یعنی بحیره جنوب چین، بحیره شرق و بحیره جاپان).

" هم هندوستان و هم چین منافع مشترکی در باز نگهداشتن خطوط ارتباطی بحری در بحر هند و اوقیانوس آرام دارند... حضور هندوستان در ده سال گذشته در آبهای شرق ملکه و حضور چین در آبهای غرب ملکه یک هنجار (نورم) جدید گردیده است. هر دو امر همزمان اتفاق افتاده اند، بدون آنکه کدام اصطکاک به ظهور رسد. این نتایج طبیعی انکشاف هندوستان و چین و وابستگی فزاینده آنها به جهان به هنگام جهانی شدن اقتصاد شان می باشد.

" دلیلی که من بر یک حوزه خواندن ساحه ( هندو اوقیانوس آرام) خرده گیری می کنم در آنست که خطر آن وجود دارد تا برای بیماری های مختلف امنیتی که بحر هند، بحیره نزدیک چین و اوقیانوس آرام غربی را مصاب می گردانند، یک دارو را بدیم».

با توجه به گذشته، تدوین کنندگان مشی سیاسی هندوستان کار خوبی کرده اند که پیشکش مرغوب و اشنگتن برای "میخ محوری" شدن در عراده "قرن اوقیانوس آرام امریکا" را رد نموده اند. اصطلاح "میخ محوری" از مقاله مشهور هلاری کلینتون که 16 ماه پیش در مجله روابط خارجی انتشار یافته است، به عاریت گرفته شده است. (1)

سال 2012 حقا یک سال تحول آفرین در عادی شدن روابط چین و هندوستان بوده است. این حقیقت دارد که منازعات مرزی معند لاینحل باقی مانده اند، زخم تبتی چین چرکین شده است، اما موقف چین به مثابه "دوست همه فصول" برای پاکستان، دست کم دچار اضطراب شده است. در عین حال گشایش تازه ای در تلاشهای هندوستان و چین در حال به وجود آمدن است. هندوستان یگانه بازار بزرگ برای "صادرات پروژه پی" چین است و منحنی تجارت بین دو کشور پیوسته بلند ترمی رود. تبادلات هیأت های عالی رتبه بین دو کشور امر معمول شده است و مقامات ارشد این دو کشور شروع به اعتراف نموده اند که این دو کشور در نظم جهانی ای که در حال ظهور است، می توانند نقاط اشتراک بیشتر از نقاط اختلاف داشته باشند.

حقا که نخستین شاهد این گشایش جدید پیشنهاد پیکنگ به دهلی جدید برای آغاز یک "گفتگوی افغانی" دارای ساختار یا خوب سازمانیافته می باشد.

از این همه مباحث چه نتیجه ای حاصل می شود؟ در ستراتژی های آسیایی عصر اوپاما برای هندوستان چه چیزی وجود دارد؟ در واقعیت امر هرگاه هندوستان آمادگی هایش را افزایش دهد، می توانند چیزهای زیادی وجود داشته باشند.

در همین هفته گذشته بود که "چاینا دیلی" روزنامه دولتی چین نوشت: سیاست های ایالات متحده امریکا می تواند مایه ایجاد "اصطکاک" در روابط چین و امریکا گردد، اما واشنگتن "نیاز" به همکاری دارد. "ایالات متحده امریکا به همکاری چین ضرورت دارد و بالمقابل چین به همکاری ایالات متحده امریکا ضرورت دارد، زیرا همکاری به افزایش منافع اقتصادی هر دو کشور کمک می کند. توانایی بالقوه هنگفت بازار چین بدون تردید همچون اهرمی برای تجارت دو جانبه خدمت می کند. هرگاه صادرات ایالات متحده امریکا به چین در چهار سال آینده سالانه 12 درصد افزایش یابد، جمعاً 143 هزار مشغله در ایالات متحده امریکا به وجود می آید".

همچنان به نظر می رسد که هندوستان از نظر کری، هیگل و اوپاما در مقیاس اعداد جدول لوگاریتمی خیلی عقب تر از چین باقی مانده است.

1. Foreign Policy, America's Pacific Century, October 11, 2011.

سفیر کبیر بهادرا کومار دیپلمات سابقه دار وزارت خارجه هندوستان است که در ازبکستان، کویت و ترکیه از کشورش نمایندگی کرده است.